

با نماز به یاران و هم‌ازوران امید که دوستان باشند به نام پروردگار و طبق معمول نخست یک چک می‌کنیم که ببینیم آیا همه چیز خوب هست؟ و صدا تصویر سر جایش هست یا خیر؟ بله خدای ارداویراز می‌گویند خوب هست. پیروزی و بله طبق معمول پخش می‌کنیم نخست به چند جا و یاران نیز همین کار را انجام بدهند در آنجایی که درست می‌دانند و بعد سخن را آغاز می‌کنیم. بله در صفحه کوروش در صفحه جنبش فرزندان زرتشت در برگه خصوصی یا واژه پارسیکش ایوازی‌ک. آن چیزی را که ما بله ما دو واژه داریم یکی ایوازی‌ک و یکی امرگانی‌ک. ایوازی‌ک همان خصوصی هستش و خاص هستش و امرگانی‌ک بخش پابلیک هست بخش همگانی. و بله برای نمونه اقتصاد خصوصی آماشت ایوازی‌ک آماشت از آماردن و آماشت واژه کهن داریم ما به نام کت آماریک یا همون اویکونومی هستش و خب واژه آماردن را داریم و واژه آماشت را داریم که همان به معنای واژه‌های گوناگونی که هستش اکونومی و یرتشافت در ژرمنستانی در هر صورت امرگانی‌ک، امره یعنی آن چیزی که شمردنی نیست. «ا.مر. مر یعنی شماره نمره و امر یعنی آن چیزی که به شمار نمی‌آید ناشمردنی هستش و حوزه عمومی را دبیران و مغان می‌گفتند امرگانی‌ک و بله بخش برابر آن را حوزه خصوصی را می‌گفتند ایوازی‌ک. این دو واژه را نیز امروز بگوییم که بله.

با نام اورمزد و به نام زیبای ایرانشهر و مردم ایرانشهر به نام همه پادشاهان نیک در هر کجا که بودند، هستند و خواهند بود به نام همه سپاهیان جبهه روشنایی در هر زمانی که بودند، هستند و خواهند بود. دادستان سخن امروز سه بخش هست که البته سنگ بزرگ نشانه نزدن است. ما سه بخش را در نظر گرفتیم که امروز درباره آنها سخن بگوییم. اگر برسیم و اگر صدا یاری بدهد چون ویروسی در این آلمان در حال گردش هستش و لوتی افکن است. ما نیز صدا نداریم امروز در هر صورت ببینیم شاید دو بخش را توانستیم انجام بدهیم. نخست می‌خوانیم آن سرسخن را که پیش از این نیز گفته‌ایم. یکی هست، نخستین هست، پافشاری خامنه‌ای بر حجاب اجباری و زاویه‌اش با سپاه پاسداران و سردار قاسم سلیمانی که معتقدند بی‌حجاب‌ها را نیز آنگونه که حزب‌الله در لبنان انجام می‌دهد باید جذب کرد. پیش از اینکه وارد این در بشویم و آغاز بکنیم چون یک ریویو یک بازنگری میکنیم بازبینی میکنیم از کل چیشی که به دست داده‌ایم تا یک بار دیگر در ذهن شنوندگانی که شاید تازه به ما می‌پیوندند مسائل جا بیفتد. چیش ما تحلیل ما خط تحلیل ما از وضعیت ایرانشهر و کلا وضعیت جهانی مبتنی بر مفاهیم پایه‌ای فلسفه سیاسی ایرانشهری است که این خود دریست بسیار گسترده مبحثی است بسیار گسترده که خلاصه آن می‌شود سیاست مبتنی بر نیکی همگانی دام. ما گفته‌ایم که مفهوم دام از ریشه دا یا سانسکریت دهه می‌آید و دارای این ریشه دارای چم‌ها و معنی‌های گوناگون هست. یکی از آنها نهادن و قرار دادن و چیزی را در جایی گذاشتن هست. یکی از آنها آفریدن هست و مفهوم قانون که ما داریم از همین ریشه داد هستش مفهوم دادر به عنوان پروردگار که داریم از همین ریشه دا هستش و مفهوم دهشن بندهشن یعنی همان آفرینش نخستین خلقت آغازین و مسلما مفهوم دام همین دام که امروز در پارسی نیز می‌گوییم همان واژه است منتها امروز در یک کمانه معنایی خیلی محدودتر و کرانمندتر از آن بهره برداری می‌شود. در سنت فیلسوفان آریایی در سنت دبیران و مغان ایرانشهری مفهوم دام تمامی هستی نیک اورمزدی را در بر می‌گیرد هم دو پا را آدم را انسان را و هم چهارپا را و هم گیاهان و پرندگان و تمامی هستومندان دیگر را در بر می‌گیرد. و وقتی می‌گوییم که میانه فلسفه سیاسی ایرانشهری مرکز ثقل آن، گرانیگاه آن فراهم آوردن نیکی همگانی دام هست نخست اینکه این مستند به متون هست این چیزی نیستش که ما بخواهیم استنتاج شخصی خودمان باشد. خیر این آمده است و به طرق مختلف نیز بیان شده است. اما خب معنیش چیست؟ معنیش این است که پادشاه یا دستگاه دیوانسالاری که پادشاه را مورد حمایت دولتی قرار می‌دهد ابزاری هست در دست پادشاه برای پیشبرد منافع همگانی دام

نیکی همگانی دام این پادشاه خویشکاری که دارد صرفا نسبت به مرد یا نسبت به دو پا نیست. صرفا نسبت به شهروندان کشورش نیست بلکه پادشاه اصیل آریایی، همواره در نفس خویش پادشاه جهانست یعنی هم پادشاه ایرانشهر هست و هم پادشاه انیرانشهر این مأموریت را پادشاهان اصیل ایرانشهری همواره برای خود قائل می‌بودند. هم از این روست که ما می‌بینیم که مردی مانند کوروش نیازی نبود برود فرضا در شمال در بخش‌های اپاختری ایرانشهر و برود آن نبردها را بکند با تیره‌های سکایی که اونها هم آریایی هستند منتها خب در یک چهارچوب دیگری داشتند کار می‌کردند یا به جاهای دیگر. این گذر کردن‌ها از مرزهای ایوازیگ از مرزهای آن زمان ایرانشهر و رفتن به سوی افق‌های تازه برای صرف گشایش جهان نبوده است. این در مخیله یک پادشاه آریایی نمی‌گنجد بلکه برای گستردن داد اورمزدی هست. برای گستردن داد آریایی هستش و برای پیشبرد امر مقدس اهورامزدا که همان مبارزه با بدی هستش مبارزه با فقر، رنج، درد، بیماری هستش و مسلما مبارزه با ستم چون دروج یا اهرمن در حوزه‌های مختلف دارای بیانات مختلف هستش دارای نمودهای گوناگون هستش اهریمن در اقتصاد می‌شود بی‌عدالتی اقتصادی می‌شود فقر در سیاست فرضا میشود ستم‌ورزی و خودکامگی در هنر می‌شود زشتی و بی‌ترکیبی، عدم تناسب زاویه‌ها با یکدیگر و الی آخر. بنابراین هر یک از این‌ها جای خودشان را دارند. **پادشاه ایرانشهری** یک خویشکاری را بر دوش خود بار یک خویشکاری رو احساس میکرد که برود و جهان را زیبا بکند جهان را فرش بکند جهان را تازه بکند جهان را بخوایم کوتاه بگوییم اهورایی بکند. اهورایی کردن جهان مأموریت یک پادشاه هستش. این را ما وقتی در پس ذهن خویش داشته باشیم بعد می‌توانیم درک بکنیم که پادشاهان ایرانشهری چرا وقتی مرزها را در می‌نوشتند و می‌رفتند مدام تأکید داشتند بر جلوگیری، چون جنگ به هر حال با خود ویرانی‌هایی می‌آورد. اما پادشاهان آریایی دائم بر این پای فشاری می‌کردند که جلوی ویرانی گرفته شود و خیلی سریع نظم را برقرار می‌کردند و نخستین چیزی را که استقرار می‌دادند داد آریایی بود. واژه داد با واژه دام و واژه دادار هر سه از یک ریشه هستند. این نسبت مفهومی نسبت درونی میان این مفاهیم سه‌گانه بسیار بسیار مهم است. دادار، داد و دام. دادار شاه را آفریده است، دام را آفریده است و شاه را آفریده است برای پاسبانی کردن از دام. به چه طریق؟ از طریق داد از طریق قانونی که نهاده شده است برای پشتیبانی کردن و پاسبانی کردن از کلیه دام. بنابراین یکی از تفاوت‌های بزرگ فلسفه سیاسی ایرانشهری مثلا با فلسفه سیاسی که ارسطو آن را نمایندگی می‌کند همین است. در فلسفه سیاسی ارسطو مفهوم اصلی و مفهوم میانی سیاست نیکی همگانی انسان هست خیر عمومی انسان هست و آن نیز انسان آزاد آتنی و انسان آزاد آتنی بنابر تعریف مرد هست و مرد برده‌دار هست مردی که در آتن زاده شده باشد و برده‌دار باشد حالا تمامی این تنگ نظری را هم که بگذاریم کنار بگوییم در یک بازبینی بتوان تمام این محدودیت‌ها را کنار گذاشت و نفس انسان را در روی میز سیاست قرار داد باز نیز می‌بینیم که فلسفه سیاسی آتنی در بیان ارسطویش بسیار محدود است. طبیعت در نظر گرفته نمی‌شود. طبیعت ماده خامی بیش نیست. جانوران که اصولا در نظر گرفته نمی‌شوند نزد ارسطو حتی زنان نیز موجودات بی‌روحي هستند و بردگان، اشیای گویا هستند. البته امروز ما می‌بینیم که در جهان مدرن که خود را وامدار این سنت می‌داند تقریبا همان مسائل دارد تکرار می‌شود منتها با یک بسته بندی نسبتا شیک. سنت ایرانشهری کاملا سنت دیگرگونه‌ایست و نگاه دیگری به جهان دارد. ما این را وقتی پس ذهن خویش داشته باشیم بعد داوریمان نسبت به هم آنچه که در میهن کنونی مان اتفاق می‌فتد هم آنچه که در چهارچوب بزرگتر ایرانشهر اتفاق می‌فتد و هم آنچه که در جهان دارد روی می‌دهد مسلما نگاه متفاوتی هستش. **بیایم در داخل مرزهای** کنونی و نگاهی بیندازیم بر آنچه که در چند ماه گذشته رخ داده است. ما بر اساس این تعریف کلی از سیاست و یک نگاه دیگری هم که داشتیم نهادهای گوناگون آریایی هستند که نهاد سپاه و ارتش نهادی هستند که پادشاه از میان این‌ها

برمی‌خیزد. تشخیص داده‌ایم و تعریف کرده‌ایم که نهاد سپاه و نهاد ارتش حالا سپاه نامش را بگذارید یا هر چیز دیگری، کلاً این نهاد خشک‌ها یعنی پهلوان و سپاهیان و ارتشیان که واژه درستش رسیشتار هستش، رسیشتار یعنی واژه ارتش یک نوع غلط مصطلح هستش از واژه رسیشتار. رسیشتار یعنی کسی که در درون رسه در درون ره می‌ایستد در حقیقت گردونه سوار یعنی رسیشتار که واژه رهی به معنای خدمتکار نیز از همین گرفته شده است. رهی کسی هستش که درون گردونه می‌ایستد و گردونه را می‌تازاند و اون پهلوان یا اون اسپهبد درون گردونه حرکت می‌کند و تیراندازی می‌کند و نبرد را انجام می‌دهد. کلاً این رسیشتاران نشاندهنده این هستش که واژه سپاهی در سنت کهن آریایی از گردونه سواران گرفته شده است. باری نهاد رسیشتاران، ارتش، سپاه نهادی هستش که پادشاه از میان این‌ها برمی‌خیزد و در سراسر تاریخ ما نگاه بکنیم می‌بینیم که این نهاد همواره پایدارترین نهاد بوده است و توانسته است در درازنای تاریخ بیش از هر کجای دیگر روح اهورامزدا روح بغان ایرانشهری را درون خود نگه دارد. بعضی وقتها که هوا بس ناجوانمردانه سرد می‌شود و بادهای اهریمنی می‌وزند، این ژن را قایم بکند، پنهان بکند در قالب آریاییان مخفی در درون نهادهای ارتشی، لیک در هر صورت این دو تا نهاد، نهاد سپاهی و نهاد ارتشی همواره تکیه‌گاه ایزدان ایرانشهری بودند برای استمرار خود بر روی زمین. نتیجه آنکه ما در چیدمان در چینش کنونی نیروها نهاد سپاه و ارتش را ایرانی‌ترین، آریایی‌ترین، اهورایی‌ترین نهادها می‌بینیم و مسلماً تطور و تکامل این‌ها را به سوی هرچه آریایی شدن، به سوی هرچه زرتشتی شدن می‌بینیم. مهم برای ما ژنی هستش که این نهادها حامل آن هستند. این ژن ژن سپید زرتشت هست. این ژن ژن سپید کوروش هست که این نهادها با خود می‌برند و وظیفه و خویشکاری مربیان معنوی این هست که این ژن را پرورش بدهند، بیاورندش بیرون و نمایان‌ترش بکنند، فضایی را برای آن به وجود بیاورند که بتواند رشد بهتری داشته باشد و به تعالی برسد. این را نیز در ذهن داشته باشیم. می‌توانیم به این پیردازیم که در قیام دی ماه، سه روز قیام دی ماه چه اتفاق بزرگی افتاد. همانگونه که پیشتر نیز گفته بودیم قیام دی ماه یک تغییر پارادایمی بود در تمامی معادلات قدرت در درون ایران. دشمنان ایران شهر فضا را آماده کرده بودند با آن بودجه بندی اقتصادی که انجام داده بودند برای به وجود آوردن ناآرامی در ایران زمین و مردم پایه را مردمی که هر روز درهای اقتصادی به رویشان بیشتر بسته می‌شود به طور برنامه‌مند به طور اصولی این‌ها را با سپاه درگیر کردن، سپاه را که یک نیروی آریایی هستش با مردم پایه ایران زمین درگیر کردن این یک طرح کلی هستش برای به وجود آوردن کائوس در درون ایران و مسلماً وقتی ایران نیز ایران کنونی نیز وارد کائوس بشود خب آن نظم جهانی که اینها می‌خواهند بهش برسند بسیار ساده تر خواهد بود. لیک از آنجایی که آریاییان مخفی در درون سپاه قدرت بیشتری پیدا کردند قوی‌تر شده‌اند تشخیص داده شد که موضوع دارد به کجا برده میشود و بازیابی ایرانشهری این‌ها را بارها و بارها مطرح کرده بود. و ما اصولاً مسئله کودتای آریایی را فرموله کردیم و وارد بحث همگانی کردیم وارد دیسکورس همگانی کردیم و مدام درباره آن تحلیلی به دست دادیم که اصولاً تخم این مفهوم شکسته بشود، وارد دهان‌ها بشود و مردم آن را به کار ببرند و از حیطه اندیشه وارد حیطه گفتار بشود و از حیطه گفتار وارد حیطه کردار بشود و مسلماً این کودتای آریایی به معنی چیست؟ به معنی بازپس گرفتن اتا هستش چون اتا امروز در دست دوزخیان هست در دست ابراهیمیان هست در دست ایادی دموکراسی مافیای دموکراسی هست. ما می‌خواهیم این اتا را پس بگیریم یعنی شهر را پس بگیریم یکی از معانی شهر یعنی دولت و ما وقتی می‌گوییم ایرانشهر یعنی د آرین استیت. واژه دیگر برای اتا واژه دهیو هستش. در هر صورت نهاد سپاه و نهاد ارتش باید کودتایی را انجام بدهد پذیره و علیه کسانی که اتا را اشغال کردند و ربوده‌اند در حقیقت این اهریمن هستش که آمده است و اتای آریایی را ایرانشهر را شهر ایران را دزدیده و بلعیده است. این بلعیدن از سوی اهریمن امریست کهن اهریمن خط را نیز

بلعیده بود و دزدیده بود و پادشاه آریایی می‌رود و جمشید می‌رود این خط را از دل اهریمن می‌کشد بیرون و کسانی که نمیشناسند مسائل را می‌گویند که آریاییان رفتند و خط را از دیوها یاد گرفتند چون اینها این معانی را نمی‌شناسند. در هر صورت این اتای آریایی نیز ۱۴۰۰ سال است که از سوی اهرمن حجاز که شاخه‌ای از اهریمن کلی جهودی هستش بلعیده شده است. دیوهای مدرن نیز دیوهای دموکرات و دیوهای روشنفکری نیز افزوده شدند. یاری کردند این اهریمن را و این اتا را آبکشش کردند بردند درون تاریکی. مسلما نیروهای روشنایی نیروهای آریایی می‌کوشند که این اتا را برگردانند به صاحب اصلیش. معنی کودتا این هستش و این باید گام به گام اتفاق بیفتد. چون ما نیروهای سازنده هستیم. نیروهایی هستیم که می‌خواهیم شهر ایران را آباد بکنیم، فرش بکنیم، تازه بکنیم. باید ایرانشهر را از دهان اردهای اهریمن خیلی آرام کشید بیرون. در بعضی جاها باید مسلما استواری و خشونت بایسته و شایسته را انجام داد که آن را مردانی که در میدان هستند تصمیم می‌گیرند که کی و کجا چگونه عمل بکنند نمونه‌اش در سوریه. این سه روز، سه روزی بود که نیروهای آریایی یکی از بزرگترین رودست‌ها را به نیروهای اهریمنی زدند. یعنی تمامی برنامه‌هایی که اتاق‌های فکر صهیونیسم چه صهیونیسم شیعی در داخل مرزهای ایران چه فراماسون‌ها و چه صهیونیسم مادر در نمی‌دانم در اورشلیم و ریاض و واشنگتن و جاهای دیگر، تمام برنامه ریزی که کرده بودند درست بود. خامنه‌ای برای آنها زمینه را آماده کرده بود فتوای هسته‌ای را داده بود برجام هسته‌ای را فتنه هسته‌ای را انجام داده بود و در حقیقت خلع سلاح کرده بود ماده‌های گوناگونی در درون این برجام قید شده بود که دست و پای ایران را می‌بست و هیچی نیز به ایران نمیداد کما اینکه تا امروز نیز نداده است و قرار نبوده است بدهد. برای رفتن به مرحله دوم برجام که برجام موشکی بود که برجام اقتصادی بود خارج کردن سپاه پاسداران از حوزه اقتصادی و همانگونه که بارها گفته‌ایم هدف غایی برجام اسقاط سپاه، باز کردن پیچ و مهره‌های سپاه بود و فتح کامل مشرق زمین چون وقتی سپاه بیفتد مشرق زمین کلا قافله را باخته است و دیگر جایی برای دفاع، سنگری برای دفاع وجود ندارد. اما از آنجایی که ایزدان آریایی بار دیگر با قدرت و با توان وارد میدان تاریخ جهانی شده‌اند و درایت آریاییان باعث شد که با این سه روز اهورایی ششم، هفتم و هشتم دی ماه آب پاکی ریخته شود بر روی دست کسان و این نیروهای اهریمنی حال می‌خواهد بیت خامنه‌ای باشد چه می‌خواهد بیت روحانی باشد چه بیت ترامپ و دیگران همگی وارد یک شوک عجیب غریبی شدند و برنامه‌های این‌ها آن چیزی را که تدارک دیده بودند به هم خورد. این به هم خوردن مسلما با خود یک نیاز به تقلا را به وجود می‌آورد. یک اکسیونیسیم بسیار بسیار خطرناک برای خود کسان و خوب برای ما یک هول‌شدگی و این‌ها تمامی واکنش‌هایی که دارند نشان می‌دهند همان گونه که داریم می‌گوییم واکنش است. از فاز کنش اینها خارج شدند و دارای یک گسیختگی فکری و ذهنی گشتند. اینکه ما امروز می‌بینیم که روحانی می‌آید می‌گوید وقتی غرق بشویم همه با هم غرق می‌شویم در حقیقت این پیام هستش برای لایه‌های گوناگون روحانیت و روشنفکری و وقتی برای مثال ترامپ می‌آید حکم حکومتی خامنه‌ای را تبدیل می‌کند به لایحه قانونی، همان حکمی که خامنه‌ای صادر کرد برای خروج سپاه از اقتصاد و سیاست، خب این‌ها اینکه امروز مجبور شدند اینگونه به میدان بیایند و همکاری‌های خود را که در زیرساخت‌ها اتفاق می‌افتاد اینجوری علنی و آشکار بکنند این نشان دهنده هول‌شدگیست و هرچه اینها هول‌تر می‌شوند و شلوغکاری بیشتری انجام میدهند و می‌بینیم که دائم دارند بحران به وجود می‌آورند در داخل ایران، روزی نیست که بحرانی به وجود نیاورند و تمام این‌ها نیز برای چیست؟ برای به وجود آوردن درگیری میان سپاه و میان مردم که مسلما این دامی نیستش که سپاه و ارتش بخواهند در آن گام اندر نهند. هرگز چنین اتفاقی نخواهد افتاد. این هول‌شدگی فرصت بسیار بسیار بزرگیست برای نیروهای آریایی که کار را یکسره بکنند. امری که این‌ها می‌خواستند انجام بدهند در حقیقت اسقاط

کردن سپاه با این قیام دی ماه پاتک زده شد. هرچی اینها بیشتر فعالیت می کنند خودشان بیشتر اسقاط می شوند و ما می بینیم که نیروهای امنیتی ما و نیروهای اطلاعاتی ما نیز بسیار بسیار دقیق عمل کردند. یعنی پیچ و مهره ولایت برجای خامنه ای دارد پله پله طبقه به طبقه باز می شود و ما امروز می بینیم که خامنه ای وارد یک فاز صرف دیستراکشن شده است. یعنی خود خود را دارد اسقاط می کند. خود، خود را دارد یعنی این ولایت برجای، خود، خود را دارد باز می کند، شالوده شکنی می کند و از کار می اندازد یا به پاریسیک اگر می کند. یعنی هیچگونه فانکشنی، دیس فانکشنال می شود. چگونه است؟ اینکه نوار می آید بیرون که این آقا خودش می گوید لیاقت ندارد. اینکه پشتیبانان اصلیش در قوه قضاییه که لاریجانی ها باشند افراد خانواده اینها دستگیر می شوند، که جاسوس انگلیس هستند. امروز می بینیم که اطلاعات بچه های اینها فرزندان اینها به طور طبقه بندی شده و به طور مستمر می آید بیرون که کدام یکیشان در کدام دبیرستان کانادا دیپلم گرفته است در کدام دانشگاه رفته است خود را ثبت نام کردند از کجا فارغ التحصیل شدند. بنابراین پته کسان را نیروهای امنیتی آریایی کاملاً روی آب ریختند و دارند نشان می دهند همان چیزی که ما همواره گفته ایم که کادر اصلی فتنه خمینی فتنه مشترک خمینی و فرح دیبا اینها همه فراماسون ها و صهیونیستهای پرورده شده در آموزشگاه های انگلوساکسون هستند. این به این معنی نیستش که از آلمان یا از فرانسه اینها نبودند، بودند. منتها کادر اصلی و اکثریت غریب به اتفاق اینها صهیونیستهای انگلوساکسون هستند. چه لاریجانیها را بگیرید چه آن کادر اولیه یزدی را بگیرید نمی دانم تمام اینها دست پرورده انتلیژنت سرویس سی آی ای و مسلماً کلاً جهان انگلوساکسون که امروز کانادا نیز به اینها اضافه شده است. این رو کردن دست نیروهای اساسی و کادرهای اولیه جمهوری اسلامی از سوی آریاییان مخفی سپاه، ارتش و دستگاه های اطلاعاتی یکی از بزرگ ترین ضربه هایی هستش که دارد به صهیونیسم جهانی زده می شود. تقلاي شبانه روزی نتانیاهو از این صحنه به آن صحنه، از این همایش به آن همایش دويدن، دواريدن واژه اصلی آریایش میشه دواريدن، دواريدن و جیغ زدن و ناله زدن و زجه زدن که ای آقا شما کجا نشسته اید که آریاییان دارند امپراتوری برقرار می کنند، نشانه ای که او می دهد به خامنه ای نیست. خامنه ای مال خودش هست، روحانی اینها یک تیم بزرگ صهیونیست هستند. درد اینها از بیداری آریایی هستش که در نیروهای سپاه و نیروهای ارتش دارد به وجود می آید و از ضربه های اطلاعاتی که اینها دارند می خورند. ببینید اینها افراد خود را در تمامی نهادها کارگذاری کردند از همان اول انقلاب و از پیش از اول انقلاب. یکی از اتفاقات بزرگی که از گذر از دوران پهلوی دوم به دوران خمینی افتاد این هستش که نیروهای فراماسون و نیروهای صهیونیست دارای قدرت بیشتری شدند. در زمان شاه نیز اینها سکان های اصلی را در دست داشتند منتها خب خود شاه نسبتاً آریایی بود و اگر انحرافات اسلامی نیز داشت جزو صهیونیسم نبود جزو فراماسونی نبود بیرون از اینها بود چون رضا شاه نیز بیرون اینها بود. تمامی دور و وری های شاه از فرح بگیرید تا اعلم اینها همه بودند. شاه نبود و بخش بزرگی مسلماً از ارتش نیز نبود و اینها ارتش را متلاشی کردند شاه را کشتند که چی؟ که این به اصطلاح صهیونیسم و فراماسونی کل قدرت را بگیرد دست خودش و گرفتند نیز گرفتند اما یک دیالکتیک آریایی نیز در اینجا به وجود آمد و آن به وجود آمدن سپاه بود که این را ما توضیح داده ایم که چگونه این نیرنگ خدایان هست. ببخشید من یک چیزی بنوشم. این نیرنگ اهورامزدا بود به اهریمن که سپاه پاسداران به وجود آمد و کادر سپاه پاسداران دیگر مانند ارتشیان ما در آموزشگاه های آمریکا درس یاد نگرفتند که از از هر ده تایشان پنج شش تایشان را بقا بپند. در حقیقت حساب اینجایش را اهریمن نکرده بود چون پسندانش است اهریمن. این بخت بزرگ تاریخی ما بود. امروز همین نیروها هستند که آمدند و دانه دانه لایه های گوناگون فراماسونی و صهیونیسم را که در تمامی دیوان سالاری، در تمامی اقتصاد، در تمامی صنعت و در همه پهنه ها، فرهنگ رخنه کردند و خوش نشستند و

جا افتادند، این‌ها را دارند می‌کشند بیرون و در حقیقت دیسفانکشنالشان می‌کنند. خود خامنه‌ای نیز از حراسی که درش افتاده است به عنوان یک نهاد خود او نیز الان وارد این فاز خودویرانی شده است. یعنی ما آن خودویرانی را که اتوماتیسم نگاتیوی که در آمریکا می‌بینیم که می‌آید مرزهای خود را می‌بندد دیگر اقتصاد بازار آزاد را رعایت نمی‌کند و دائم کنش‌هایی را انجام می‌دهد که هیچ‌گونه منطقی نیز دیگر در آنها نیست و تمامی قوانین بین‌المللی که خودشان دیکته کردند آن‌ها را نیز دیگر رعایت نمی‌کنند، این دیسفانکشنالیسمی که ما در غرب داریم می‌بینیم و شکافی که میان اهریمن اروپایی و اهریمن آمریکایی افتاده است، یعنی جهان انگلوساکسون دارد خود را جدا می‌کند از قاره از جهان قاره از کتیننت در اروپا. تمام این‌ها را ما در خود جمهوری اسلامی نیز که زائده صهیونیسم جهانی هستش داریم می‌بینیم و این‌ها همه دارند خود را می‌آیند رو می‌کنند. یک عده می‌آیند رو می‌کنند خود را تا دیروز فروهر انداخته بودند یکهو می‌آیند می‌گویند ما صهیونیسم ایرانی هستیم و نصف ایرانشهر مال اسرائیل بزرگ. توجه می‌کنید؟ این نشان‌دهنده این هستش خامنه‌ای هم‌اره سعی می‌کرد، تلاش می‌کرد که خود را دوست سپاه پاسداران نشان بدهد، به اصطلاح ما می‌گوییم پلیس خوب، پلیس خوب باشد اما یکباره می‌آید می‌گوید سپاه باید از اقتصاد برود بیرون و همان حرفایی را می‌زند که نتانیاهو انجام می‌دهد. این خود، خود را علنی کردن وقتی دیو خود رو علنی می‌کند فرو می‌پاشد. این فروپاشی را ما هم در آمریکا داریم می‌بینیم هم مسلما در اسرائیل داریم می‌بینیم و هم در خود ایران داریم می‌بینیم و این ضربه بزرگی هستش که نیروهای امنیتی دارند می‌زنند. نیروهای امنیتی که بخش نظامیش دارد در سوریه در عراق دارد عمل می‌کند در داخل ایران به نوع دیگری و این بیداری آریایی هول و ولایی انداخته است در میان این‌ها و این‌ها پله به پله دارند فرو می‌ریزند. حال موضوعی که امروز متن سخن ما هستش مسئله رجعت خامنه‌ای هست به سیاست یا روسری یا توسری. همانگونه که می‌دانیم سیاست یا روسری یا توسری یعنی حجاب اجباری سیاستی بود که با برآمدن خمینی تبدیل شد به قانون و مردانی چون موسوی و همسرش زنش زهرا رهنورد که تئورسین این مسئله بود و موسوی هم که خب نخست‌وزیر بود این کار را انجام داد و خیلی از کسانی که امروز اصلاح‌طلب هستند این را در سطح جامعه با خشونت بسیار زیادی این سیاست را پیش بردند. حجاب اجباری را حقه کردند به زنان ایرانی. چرا خامنه‌ای می‌آید این کار را انجام می‌دهد و خود را اینگونه رویارو می‌کند با زنان ایرانی که ما می‌دانیم به صورت دوفکتو در جامعه دیگر حجاب را، حجاب تعریف شده از سوی نظام خامنه‌ای را دیگر اصولاً رعایت نمی‌کنند. این چیزی هستش که دوفکتو در جامعه دارد اتفاق می‌فتد و از کسی نیز دیگر کاری بر نمی‌آید. اما با این حال این مرد می‌آید و خود یک تنه می‌آید به میدان و پافشاری می‌کند که خیر حجاب باید بماند این حرام اجتماعی است. این همان چیز است که دیگر درش منطقی نیست. همانگونه که ما در آمریکا در سیاست عمومی آمریکا دیگر منطقی را نمی‌بینیم و با یک دیوانگی تبدیل به برنامه شده با یک جنون‌زدگی روبرو هستیم، در فرزندان معنوی این صهیونیسم جهانی نیز که صهیونیسم شیعی یکی از آن‌ها هستش ما در این‌ها نیز دیگر منطقی نمی‌بینیم یعنی مسلماً هیچ سودی برای شخص خامنه‌ای سود فردی ندارد برای نهاد ولایت فقیه که بیاید اینگونه خود را با زنان ایران زمین در بیاندازد و امری را که پرونده‌ای را که اصولاً در خیابان‌های تهران در خیابان‌های شهرهای بزرگ بسته شده این پرونده را بخواهد با زور باز نگه دارد به ویژه زمانی که افراد برگزیده خود این نظام مانند آن دختری که در تلویزیون بود و هفت هشت ماه پیش در سوئیس دیده شد که کشف حجاب کرده دارد آبجو می‌خورد، اشکالی ندارد ولی این به اصطلاح این نشانده این هستش که این‌ها آدمهای خودشان را نیز دیگر تحت کنترل ندارند. بنابراین آمدن و درافتادن با بخش بزرگی از جامعه ایرانی که حجاب اجباری را نمی‌پذیرد و به سراسر ۱۴۰۰ سال فقه جهودی اسلام نه می‌گوید مسلماً در این منطقی که منتهی بشود به سود نهاد ولایت فقیه قابل رویت

نیست. این فقط قابل توضیح هستش با همان سلف دیستراکشن با همان خودویرانی خودکار که همانگونه که گفتیم در آمریکا و در اسرائیل نیز ما این را می بینیم. این ها تمام تلاش خود را کردند تمام زور خود را زدند و داعش را پدید آوردند انداختند به جان مشرق زمین انداختند به جان ایران شهر و این سلف دیستراکشن بود و دیدیم که جلوش ایستادگی شد و این ها زمین خوردند. اقتصادی را که دارد پیش می برد ترامپ در حقیقت کور کردن اقتصاد آمریکا هستش. این را حالا در فرصت دیگری توضیح خواهیم داد. کاری که خامنه ای نیز دارد می کند همین گونه است. به نفع او می بود. به سود او می بود که با یک لبخند پیروزی بیاید و این آخوندها که در اجتهاد و تغییر دادن مواد فقهی و شرعی که ید طولایی دارند، با یک دستخط می توانست خود را بکند حداقل برای مدتی محبوب دل ها و بگوید خب حالا یک سری نمی خواهند، نمی خواهند یک مقدار رعایت بکنند آزاد باشند اما این کار را نمی کند. چرا نمی کند؟ چون پس دانش است. چرا نمی کند؟ چون وارد فاز سلف دیستراکشن شده است. نهاد ولایت فقیه، ولایت برجانی با ضربه هایی که نیروهای اطلاعاتی بهش زدند و یکی از آن ضربه ها مسلما استخر درمانی بازوی عملیاتی این مرد بود. رفسنجانی در حقیقت برادر توامان خامنه ای بود. با زدن او با استخر درمانی او یک پایه این نظام شکسته شد و کل اصلاح طلبها گیج شدند. الان با این قیام دی ماه با آن سه روز اهورایی که سپاه پاسداران و ارتش نیروهایی را در شصت هفتاد شهر بیرون آوردند و در سه روز با دیسیپلین تمام روح تاریخی رضا شاه بزرگ را احضار کردند، و گفتند ایران را پس می گیریم. چگونه؟ با روح تاریخی رضا شاه، با روح تاریخی کوروش بزرگ. این ضربه ای که زده شد خامنه ای را همانگونه که اصلاح طلبها گیج شدند، خامنه ای را گیج کرد. یعنی کلا اصول گرایی را گیج کرد و این ها نمی دانند که بر ایشان چه می رود. روی همین حساب وارد یک اکسیونسم کور شده اند. دائم دارند قائله به پا می کنند و اگر قائله ای هم نیز نباشد خود این قائله را می شورانند، اختراعی می کنند. وارد شدن خامنه ای، بازگشت او به خط به دوران طلایی امام به قول آقای موسوی که یا روسری یا توسری، یک همچین معنی را می دهد و این مسلما اگر دو دو تا چهار تایی پشتش باشد، تنها دو دو تا چهار تایی که می تواند باشد این هستش که سپاه و بسیج و نیروهای امنیتی را مجبور بکند که بروند و جلوی زنان ایرانی را بگیرند که روسری را از سرشان دریاورند که شتر در خواب بیند پنبه دانه. واقعا مضحک است اگر کسان نشستند و برای خود برنامه چیدند که سپاه پاسداران که با آمریکا با داعش با تمام ناتو در سوریه و عراق درافتاده است بیاید در کف خیابان های تهران و کاشان و نمی دانم مشهدی که خودشان تبدیلس کردند به روسپی خانه برای بعضی کسان و ویدئوهایش بیرون آمده است، در اینجا بیایند زنان آریایی را، زنان ایران زمین را که می خواهند نور خورشید به صورت زیبایشان بتابد بروند با آن ها جنگ بکند که چرا شما چادر تان را برداشتید؟ چرا شما روسریتان را برداشتید؟ واقعا مسخره هست. به ویژه در زمانی که حتی مردی مانند قاسم سلیمانی که از لحاظ ایدئولوژیک یک نمی توانیم مدعی شویم که قاسم سلیمانی جزو آریایی ترین نیروهای ارتش و سپاه هستش. ما نیروهای از لحاظ ذهنی نه از لحاظ کنش از لحاظ ذهنی و از لحاظ آموزش فرهنگی به مراتب آریایی تری از اسپهبد سلیمانی داریم. اما ما ایشان را مثال می آوریم که بخواهیم آن میانه را در نظر بگیریم دیگر چه برسد به نیروهای آریایی تندرو. مردی مانند قاسم سلیمانی علنا و به صراحت می آید سخنرانی می کند. ما باید با حجاب و بی حجاب را همه را جذب بکنیم. این معنی بسیار بسیار مهمی دارد. یعنی پیش از اینکه خامنه ای وارد این فاز بشود از سوی اسپهبد سلیمانی و امثال او هم فکران او درون سپاه پیشاپیش تودهنی را خورده است. و مسلما خامنه ای این را می داند این سخنرانی را می داند. این نگاه را می داند. می داند که زیر مدیریت قاسم سلیمانی حزب الله لبنان دختران بیکینی پوش را پرچم حزب الله را می دهد دستشان و خط مقاومت نمی از خط مقاومت بیکینیست. این مسئله ای بسیار بسیار مهم. نمی از خط مقاومت که یعنی جبهه

مقاومت که در لبنان هستش دختران بیکینی پوش اند. یعنی حزب الله زیر نظر قاسم سلیمانی موفق شده است یک وفاق مقاومتی را در میان لبنانی ها به وجود بیاورد. این مسئله ایست بسیار مهم. یعنی یک روسری پوش لبنانی با یک زنی که خیلی آزاد خیلی امروزه جامه پوشیده است در کنار یکدیگر می ایستند و به نتانیاهو و به غرب نه می گویند. یعنی یک اشتراکی وجود دارد. کاری که خامنه ای و اینها دارند انجام میدهند کاملاً برخلاف این سیاست جذب همه نیروهای آزاده و آزادی خواه هستش. بنابراین حتی لایه های نه چندان تندروی آریایی سپاه نیز بر این باورند که باید تمامی اقشار جامعه را برای پیشبرد مقاومت برای پیشبرد رسیستانس که ما نام آن را می گذاریم رسیستانس آریایی رسیستانس ایران شهری رسیستانس مشرقی، تمام این ها را باید زیر یک سقف آورد و از نیروها استفاده بهینه کرد. خامنه ای که ستون خیمه صهیونیسم هستش به طور ناخود آگاه وارد فازی شده است که بیاید و این وفاق را از بین ببرد. به چه امیدی؟ اگر منطقی پشتش باشد که منطقیست بسیار ضعیف، به امید اینکه به اصطلاح همان شورشی را که می خواهند در جامعه به وجود بیاورند با بنیست های اقتصادی و برجانی کردن تمام پهنه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، سیاست خارجی و سیاست داخلی، سپاه را وارد درگیری های مستمر قرار دادند. یعنی وارد درگیری های زنجره ای کردن. دائم، خب مسلماً این ها جنجال های رسانه ای به وجود می آورند. اینها رسانه هایی دارند چون من و تو، چون بی بی سی، چون صدای آمریکا، چون دویچوله، چون صدای فرانسه و امثالهم، این رسانه ها دائم جنجال به وجود می آورند. دائم تیر می کنند سپاه پاسداران را و نیروهای امنیتی ما را که این ها را دمونیزه بکنند و ببرند زیر فشار. خب این یک منطق بسیار بسیار ضعیف است و پاسخ نمیدهد همانگونه هم که می بینیم سپاه مانند یک رزمی کار کنگفو کار بسیار بسیار چیره جا خالی می دهد. اصلاً نیازی نیست با خامنه ای درافتادن سر این مسئله همین که این فرامین انجام داده نمیشود و زنان آریایی از هزار نفرشان که روسری را برمی دارند ممکن است یک نفر یا دو نفرشان بخورند به تور یکی از آدمهای خامنه ای. بیشینه ای این ها کارشان را دارند انجام می دهند و این بازگشت زن آریایی به آزادی آریایی به شیوه پوشش آریایی دارد گام به گام انجام می شود و مسلماً سپاه پاسداران دارد این را مدیریت بهینه می کند. این مسئله ای هستش که بسیار بسیار مهم است. البته یک جنبه دیگری نیز در اینجا هستش یک جنبه تاریخی هستش که باید به آن اشاره بکنیم. یک لحظه. جنبه تاریخی که می خواهم اشاره بکنم بدان بازگشت خامنه ای به سیاست یا روسری یا توسری نباید ما را دچار این اشتباه بکند که بخش اصلاح طلب یا بخش روشنفکری در اینجا با خامنه ای زاویه دارد. اولاً که می بینیم همین الان آدم هایی مانند مطهری آمدند و گفتند باید اجباری باشد. و در این اتفاق نظر دارند و نیروهای صهیونیسم خارج از کشور چون بهاییها، جهودها، طرفداران رضا پهلوی و امثالهم این ها نیز به جای اینکه به ریشه مسئله پردازند در حقیقت دارند سپاه را می خواهند باز هم بزرگ بکنند دمونیزه بکنند. اما آن چیزی که می خواهیم بدان اشاره بکنیم هماهنگی کامل نیروهای چپ ایرانی هستش از همان آغاز کشف حجاب رضا شاهی تا به پیروزی فتنه مشترک خمینی و فرح در تمام زمینه ها با مسلمان ها. ببینید وقتی رضا شاه آمد و کشف حجاب را انجام داد اول اینکه دروغ بزرگی که در این باره گفته میشود این هستش که رضا شاه با اجباری کردن کشف حجاب ضربه زد به زنان آزادیخواه ایران. اصلاً اینها یاهوای بیش نیستش. در جامعه ای که رضا شاه درش زندگی می کرد اصولاً آزادی را جز با زور نمی توانست مستقر بکند. ببینید رسوای یک حرف جالبی می زند. می گوید برده ها به صدای زنگ زنجره ای بر پای خویش خو می کنند. یا مثلاً آن داستانی که چوبک نوشت لوتی و انترش. شما وقتی یک موجودی را عادتش می دهید به بندگی عادتش می دهید به تاریکی دیگر خو می کند به آن فضا. زنان ایرانی نیز در فضایی به سر می بردند که آزادی برایشان بیگانه بود و هراس داشتند. شما بعضی وقتها جامعه ای را که در رخوت رفته است و بد آن ستم بسیاری آمده است و کمرش شکسته است

یک همچین جامعه‌ای را صرفاً با شوک درمانی می‌توانید شما سالم و تندرستش بکنید و کاری که اقدامی که رضا شاه بزرگ انجام داد با آن روح آریایی و اسپهبدی خود در حقیقت شوک درمانی بود. بدون آن شوک درمانی اگر آزاد می‌گذاشت هر کس می‌خواهد با چادر بیاید هر کس می‌خواهد بدون چادر بیاید، یک نفر در آن زمان پایش را بیرون نمی‌گذاشت و کسانی نیز که این پروا را به خود می‌دادند و می‌آمدند بیرون مورد آزار قرار می‌گرفتند. بنابراین احتیاج به یک مشت آهنین داشت. احتیاج به منطق چکمه داشت که زن ایرانی از درون زندان فقه جهودی اسلام بیرون آورده بشود و این کار را رضا شاه بزرگ انجام داد. مخالفان او چه کسانی بودند؟ مسلماً اسلام به مثابه شاخه سوم جهودیت و نیروهای طرفدار به اصطلاح قجر که مصدق یکی از این‌ها بود آن زمان و چپ‌ها. یعنی تمامی چپ‌ها و تمامی نیروهای به اصطلاح کمونیستی تمامی این‌ها با کشف حجاب رضا شاه مخالفت کردند. این یک فکت تاریخی هستش. یعنی ما ائتلافی را می‌بینیم میان صهیونیسم سبز یعنی صهیونیسم شیعه و صهیونیسم سرخ یعنی کمونیستها و فراماسون‌ها که آن جبهه به اصطلاح تمام نیروهایی که وصل می‌شوند به نوعی از انواع به مصدق، این‌ها نیز جزو آنها بودند. این اتحاد را ما بار دیگر در سطحی گسترده‌تر در دوران انقلاب سفید شاه می‌بینیم. دعوای تاریخی خمینی با شاه سر دو تا مسئله اساسی بود. یکی اصلاحات ارضی یعنی گرفتن زمین‌ها از مالکان بزرگ که ما سر آن یک نگاه ویژه خود را داریم. اما دعوایی که خمینی و مصدق داشتند با این مسئله دعوای زمین‌دار بود. یعنی از موضع زمیندارها این‌ها ایراد می‌گرفتند به شاه و یکیش مسئله حق رأی دادن به زنان. یعنی خمینی حق رأی دادن به زنان را بر اساس فقه جهودی اسلام فحشا می‌دانست. این مسئله‌ایست بسیار مهم که جوانان آریایی باید این را بدانند و دائم دوستان دیگر این را تکرار بکنند که اینها ملکه ذهن جوانان آریایی بشود. چون این رسانه‌های صهیونیستی من و تو و این‌ها دائم این را می‌پوشانند و این را بیان نمی‌کنند. حزب توده نیز آمد بیانیه‌ای داد و با انقلاب سفید شاه مخالفت کرد. یعنی هم با حق رأی زنان و هم با اصلاحات ارضی مخالفت کرد و خمینی نیز که اصولاً این قائله را برپا کرد که مورد حمایت آمریکا نیز بود و اسنادش نیز امروز بیرون آمده است که آن را از طریق چند تا جهود با کندی اینها وصل بود که میخواستند علیه شاه کودتا بکنند و یک انقلاب اسلامی را همان موقع در ایران پدید بیاورند. این سه تا عنصر یعنی این ائتلاف میان نیروهای فراماسونی مصدقی میان صهیونیستهای سرخ یعنی کمونیستها و روشنفکرها و صهیونیستهای سبز، صهیونیستهای دوازده امامی، امری هست که امروز با بیرون آمدن خامنه‌ای و بازگشت به این سیاست ما شکستش را داریم در برابر چشم خویش می‌بینیم. وقتی در آن قیام سه روزه می‌آیند می‌گویند مرگ بر خامنه‌ای رضا شاه روح شاد وقتی می‌آیند می‌گویند که ما ایرانمان را پس می‌گیریم، وقتی می‌گویند ایران وطن ماست کوروش پدر ماست این‌ها نشان‌دهنده شکست‌های تاریخی این سه تا بازوی اهریمن در درون ایران زمین هست. اینکه امروز زنان ایرانی، زنان آریایی این حجاب اجباری حجازی را از سر خود درمی‌آورند، این نشان‌دهنده شکست صد سال تجددخواهی فاسد روشن‌فکری ایرانیست. روشن‌فکری که در تمامی مقاطع تاریخی علیه زن ایرانی موضع‌گیری کرده است. روشن‌فکری که در تمامی مقاطع تاریخی علیه کشاورز ایرانی موضع‌گیری کرده است. روشن‌فکری که در تمامی مقاطع تاریخی علیه سپاهیان و علیه ارتشیان ایران زمین موضع‌گیری کرده است. اهریمنی‌تر، فاسدتر و دیوی‌تر از روشن‌فکری ما نهادی را نمی‌بینیم. مسلمان‌ها، آخوندها دست کم این لباس اهریمن را نشان کرده‌اند. روشن‌فکری، متجددین ایرانی بسیار دورتر هستند و از این منظر بی‌اخلاق‌تر، فاسدتر. ما در اخلاق آریایی در دینکرد داریم، هزار و هفتصد هشتصد سال قبل از ایمانوئل کانت با آن کاتگوریشس ایمپراتیوی که می‌گوید که دروغ نباید بگویید ما هزار و هفتصد هشتصد سال قبل از کانت دستور اخلاقی داریم که یک زرتشتی نباید دروغ بگوید حتی اگر دروغ نگفتنش به زیان همه زرتشتیان تمام شود.

یعنی شما باید حرف راست را بنید حتی اگر حرف راستان به زیان تمام زرتشتیان تمام شود و برعکسش نیز همین طور باید راست را بگویید، اگر دروغ بگویید و این دروغ به تمام زرتشتیان سود برساند باز هم نباید دروغ بگویید. یعنی هر دو طرفش صادق هستند. ما از یک همچین سستی می‌آییم. روشن فکری ایرانی از الف تا یش دوروی و دروغ هست. هر دروغی را که به ذهنشان رسید این‌ها گفتند برای ویران کردن ایران زمین. یک نفر در رودخانه غرق می‌شد آن سمد بهرنگی می‌انداختند گردن ساواک. هر بلایی که خود سر خود می‌آوردند می‌انداختند گردن ساواک. و در آنجایی نیز که ادعا می‌کردند یعنی چپ ایرانی کلاً کمونیسم ادعا می‌کند که می‌خواهد زن را نجات بدهد، حداقل این را در ظاهر می‌گویند. اما چپ ایرانی آنچنان فاسد است و آنچنان جهودی و مسلمانی هست که حتی در اینجا نیز به خود فشار نمی‌آورد که حداقل تظاهر بکند. اینکه امروز می‌آیند و هشت مارس را انجام می‌دهند، روز زن را انجام می‌دهند یکی از وقایع‌های بزرگ تاریخی هستند که صرفاً از روشن فکری ایرانی برمی‌آید و بس. موضوعی را که می‌خواستیم مطرح بکنیم همین بود. یعنی در شکست خامنه‌ای ما شکست روشن فکری و شکست فراماسونی مصدقی را نیز می‌بینیم و این پیروزی بزرگ نیروهای آریایی است. یعنی امروز وقتی می‌بینیم که نهاد سپاه و نهاد ارتش به عنوان استمرار منطقی چکمه‌های رضا شاه فضایی را به وجود می‌آورند که روشنفکری و خامنه‌ای مجبور می‌شوند همصدا بشوند و بروند به سوی سیاست یا روسری یا توسری خب این نشان‌دهنده چیست؟ این نشان‌دهنده پیروزی اهورامزداست. این نشان‌دهنده پیروزی بغان ایرانشهری هست. این پیروزی را باید جشن گرفت. بله یک جنبه دیگری نیز از این مسئله بسیار مهم است و آن جنبه روانشناسی هستند. ببینید خامنه‌ای در یک نرمش قهرمانانه زنجیره‌ای دارد به سر می‌برد و مدام دارد در برابر غرب در برابر اسرائیل زانو می‌زند در جنبه‌های مختلف. اینکه این برنامه هستند به کنار ولی خب با خودش خرد شدن شخصیت را نیز می‌آورد. وقتی صهیونیسم جهانی به یک مهره‌ای فرمان می‌دهد که تو دیگر از این به بعد باید زانو بزنی به ویژه در حالی که این مهره را بهش گفته بودند یک مقدار باید آهن و تلپ بکنی و نقش پلیس خوب را بازی بکنی، خب مسلماً وقتی این تغییر نقش دیکته می‌شود آن طرف حالا هر کس می‌خواهد باشد آن طرف در آن چهارچوبی که برای خود درست کرده بود دچار اغتشاش روانی می‌شود. یکی از جنبه‌هایی را که باید در نظر گرفت، جنبه اصلی نیست ولی باید در نظر گرفت به عنوان تحلیل گر، این برخورد خشنی که آمده است خامنه‌ای کرده است با زن‌های ایران زمین و این توهینی که کرده است و گفته است یک عده‌ای آدم حقیر هستند یک عده آدم خودفروخته هستند که حرام اجتماعی انجام می‌دهند و از این یاوه‌ها یک دلیلش این هستند که خب وقتی شما در برابر آدم واداده‌ای و آدم بسیار بسیار کوچکی مانند نتانیاها مجبور می‌شوید زانو بنید وقتی مجبور می‌شوید حکم حکومتیان را از طریق میانجی‌ها از آدم بدهانی مانند ترامپ بخواهید که تبدیلیش بکند به لایحه و فشار بیاورد به سپاه خب مسلماً شکست خورده‌اید. یعنی آن هیبتی که شما برای خودت ساخته‌ای آن هیبت فرو شکسته است می‌آید و سعی می‌کنید گردن کلفتی بکنید، قلدر مایی بکنید، در برابر یک طیف که فکر می‌کنید ضعیف هستند. ضعیف نیستند. زنان ایران زمین ضعیف نیستند. ولی این نگاه به اصطلاح یک مسلمان فقیه هستند. این نگاه یک مرد پرورش یافته در سنت جهودی محمد هستند. این را نیز باید در نظر گرفت. یعنی شکست خوردن در برابر ترامپ. شکست خوردن در برابر نتانیاها لو رفتن نقشه‌هایی که برای سپاه پاسداران کشیده بود. یعنی شخصیت خامنه‌ای خب برای کسانی که حرفه‌ای هستند در سپاه و ارتش همیشه رو بوده است اما برای لایه‌های میانی و لایه‌های پایین سپاه و ارتش نیز این شخصیت رو شده است. بنابراین این از بین رفتن هیبت این رو شدن دست‌ها باعث به وجود آوردن این لحن بسیار بد با مردم ایران هستند، با زنان ایران زمین هستند و این خشونت را که سعی می‌کند تحمیل بکند. این را نیز می‌بایست بدان پردازیم. بله اینجا این بحث را می‌بندیم.

یک ساعت گذشته است و به باید فکر بکنیم ببینیم که به بخش دوم برویم یا نرویم. به ما سقف زمانی را گذاشتیم یک ساعت تا یک ساعت و پانزده دقیقه و به این را در پانزده دقیقه می توانیم ببندیم. بخش دوم هست هشدار اتمی پوتین به نتانیاهو و ترامپ و تغییر پارادایم در معماری امنیتی منطقه و جهان. امکان تازه ای برای ایران جهت ساختن بمب اتمی در صورت هماهنگی با روسیه و چین. در هفته گذشته چند تا اتفاق بزرگ افتاد در چند روز گذشته نیز این اتفاقات دیگری نیز افتاده است و یکی از آنها که امروز رخ داد مسئله دائم العمر شدن یعنی دائم رئیس شدن سین پیانگ چینگ هستش در چین و سخنانی که سرکوزی گفته است و از دموکراسی انتقاد کرده است یعنی این نیز یک پیروزی بزرگ برای بازیابی ایران شهری هستش که به عنوان تنها نیرویی که نقد پایه ای و نقد فلسفی از دموکراسی به دست داد در هیچ کجای دیگر همچنین مسئله ای نبوده است و ما این را در طول سالیان گذشته به طور دقیق این مسئله را بررسی کرده ایم و بدیل آن را نیز به دست داده ایم و امروز می بینیم که شخصیت هایی از درون خود مافیای دموکراسی و می آیند و می گویند که دموکراسی دیگر کار نمی کند. دموکراسی پاسخ گو نیست. و با دموکراسی نمی شود ساخت. این مسئله ایست بسیار مهم. آدمی مثل سرکوزی که خود رئیس جمهور آن ریپابلیک بوده است که آن فتنه ای که از درون انقلاب فرانسه به وجود آمد می آید یک همچنین مسئله ای را مطرح می کند و می گوید بزرگترین رهبران کنونی جهان رهبرانی هستند که در نظام های غیر دموکراتیک دارند کار انجام میدهند و نمونه می آورد پوتین، سین پیونگ چینگ و این پسرک بن سلمان، می گوید این ها هستند که دارند جهان را می سازند. و ما یعنی خود جهان دموکرات پر تیم. این یکی از پیروزی های بزرگ آریاییان هست. اتفاق مهم این بود که آقای سین پیانگ چینگ آمد قانون اساسی چین را یعنی آن جمهوریت را تغییر داد و دارد می رود به سمت همان نظم چینی کهن. نظم مشرقی چینی. پوتین نیز به نظر می رسد دارد این پا آن پا می کند که این کار را بکند یا نکند. در هر صورت احتمال اینکه پوتین نیز گام در یک همچنین راهی بگذارد کم نیست. کار به جایی رسیده است که حتی ترامپ نیز اعلام کرده است که بدش نمی آید کار بدی نیستش که در آمریکا یک همچنین اتفاقی بیفتد. اینها نشان دهنده همان چیز است که گفتیم وقتی سال ها پیش زمان احمدی نژاد بود در برنامه هایی که با آن یار خویش خدای آریا روحانی آریا آذرمنش داشتیم در آنجا در یکی از برنامه ها مطرح کردیم که دموکراسی به انتها رسیده است. کل نظم دموکراتیک اصلا مدرنیته و روشنگری به انتها رسیده است. دلایل مختلف آنجا آوردیم و این را ما مطرح کردیم. امروز داریم می بینیم که این کاخ پوشالی دموکراسی دارد فرو می ریزد و مسلما کاخ دموکراسی های کوچک تر مانند دموکراسی اسلامی که فتنه گران پنجاه و هفتی با مدیریت مشترک فرح و خمینی برپا کردند. این نیز دارد فرو می پاشد و ما داریم می بینیم که آن چیزی را که سین پیانگ چینگ دارد انجام می دهد در چین یا پوتین دارد انجام می دهد در روسیه این کار را رضا شاه نوین در ایران دارد انجام میداد و این رضا شاه نوین خوشبختانه این بار یک نهاد است یک فرد تنها نیست این یک در حقیقت موهبت اهورایی هستش که امروز خدایان به ما نثار کردند و در اختیار ما گذاشتند که با آمدن و رفتن این شخصیت یا آن شخصیت، شخصیت ها بسیار مهم اند افراد بسیار بسیار مهم اند اما یکی از برتری های تاریخی ایرانیان همین نهاد خشره ها بوده است که دائم توانسته است از درون خود شخصیت های بزرگی مانند اردشیر مانند شاپور، داریوش، کوروش و امثالهم به وجود بیاورد. این نهاد سپاه نیز امروز یک نفر دو نفر سه نفر چهار نفر نیست. فقط باقری و نمی دانم جعفری و سلیمانی و حاتمی و این ها را ندارد. در لایه های دیگر نیز کسان دیگری دارند پرورده می شوند. یعنی ما با یک آموزشگاه آریایی روبرو هستیم که دائم دارد انسان های توانمندی را تولید می کند و دائم عیار آریایی این ها گام به گام بیشتر خواهد شد. یعنی ما خواهیم دید که نسل بعدی سرداران و نسل بعدی، نه نسل بیست و پنج سال بلکه نسل کاری، این ها عیار آریایشون باز یک مقدار

بیشتر خواهد شد نه به این معنی که آن‌ها بیشتر آریایی خواهند بود خیر نهاد پیچ‌هاش را به سمت آریایی‌تر بودن باز خواهد کرد و این کاری هستش یک دو چهارصد متر هستش که سرداران مختلف افراد امنیتی مختلف در نهادهای گوناگون به صورت اشتراکی دارند انجام میدهند و این پروژه را پیش می‌برند. این مسئله‌ای هستش که باید بدان توجه کرد و این در حقیقت برگ برنده مشرق زمین هستش که، شما در روسیه اگر پوتین را بتوانند ترورش بکنند که دائم می‌خواهند بکنند، روسیه می‌تواند بپاشد در ایران کسی نمی‌تواند نهاد، یعنی خامنه‌ای و روحانی و تمام اینها دارند سعی می‌کنند اما نمی‌توانند چون یک نفر دو نفر نیست. بنابراین سپاه پاسداران را نمی‌شود ترور کرد سپاه پاسداران را می‌توان زیر منگنه گذاشت برایش ماده قانونی به وجود آورد که نمی‌دانم از اقتصاد بیرون برود، از سیاست بیرون برود برایش دام انداخت که بیاید با زنان ایرانی در بیفتند نمی‌دانم هزار و یک جور بلا می‌خواهند سرش بیاورند. در حقیقت همان تروری که با یک نفر می‌خواهند انجام بدهند، باید تقلای بسیار بیشتری بکنند و این نیرویی که ما داریم و در حقیقت برتری که داریم نسبت به روسیه این هستش که ما یک نهاد داریم یک پوتین نداریم ده‌ها پوتین داریم و این‌ها را نمی‌شود از سر راه برداشت و از همین رو هستش که ما محکوم به پیروزی هستیم. سپاه پاسداران محکوم به پیروزیست. مشرق زمین محکوم به پیروزی هستش. این مسئله را باید در نظر گرفت. اتفاقی که افتاد در چند روز گذشته مانیفستی بود که در حقیقت اعلامیه‌ای بود که پوتین با آن آزمایش موشکی هایپرسونیکش انجام داد و گفت حمله اتمی یا حمله غیر متعارف متعارف یعنی حمله متعارفی که بخواهد به فروپاشی بیانجامد به متحدین ما حمله به ماست و پاسخ کاملاً قاطعانه خواهد داشت یعنی حمله اتمی را با حمله اتمی پاسخ میدهم. این اعلامیه‌ای بود یعنی بیانیه‌ای بود به صهیونیسم جهانی با اینکه پوتین خودش جزو بخشی از صهیونیسم هستش دو تا دخترش را به جهودها داده اینها همه به جای خود اما باز نیز یک زاویه‌ای دارد با آن چیزی که دارد این گلوبالیسم دست راستی که نتانیاها و ترامپ نمایندگی میکنند با آنها یک مقدار زاویه دارد. آمد گفت چون ترامپ و نتانیاها دائم دارند تهدید می‌کنند که ما می‌زنیم ایران را به ویژه نتانیاها که آمد در کنفرانس امنیتی مونیخ علناً اعلام کرد که و این بی‌پیشینه بود که در کنفرانس مونیخ کنفرانس امنیتی که برای امنیت جهان هستش یک نفر بیاید بگوید ما شما را می‌زنیم. کشور مهمی مانند ایران را که می‌تواند به جنگ جهانی بیانجامد. پوتین آمد جلوی این مسئله را گرفت و این به چه معنیست؟ به این معنی هستش که ایران و سوریه از منظر مسکو زیر چتر اتمی روسیه قرار گرفتند و زیر چتر اتمی روسیه یعنی زیر چتر اتمی چین نیز. این در زبان امنیتی‌ها یک همچین معنی را می‌دهد. بسیار بسیار مهم است. یعنی آن اتحادی را که آن مثلث امنیتی که توی مانیفست امنیتی ما مطرح کردیم آن مثلث امروز دارد شکل می‌گیرد. این فضایی را باز می‌کند. ما به عنوان ایرانی سپاه و ارتش نباید به این اعتمادی داشته باشیم. به این اعتماد نباید داشت. اما ما بمب اتم خود را باید بسازیم بدون هیچ قید و شرطی. اما با این حال پوتین از منظر منافع روسی خود آمده است این را مطرح کرده است خب این برای ما دیگر علی‌السویه است. یک همچین چتری فعلاً باز هست این فضایی را گشوده است اول اینکه خطر حمله اتمی نتانیاها و ترامپ را منتفی کرده است دوماً جهان را وارد یک فاز جنگ تسلیحاتی نوین کرده است که بار اصلیش را روسیه و چین بردوش خواهند کشید در میان مدت. و یک فضای سرد جدیدی را فضای ولرمی را به وجود آورده است که بازگشت به دوران دوستی که پوتین می‌خواست با غرب به وجود بیاورد تقریباً غیرممکن است در چشم‌انداز نیست. یعنی بعد از ترامپ نیز کسی، یعنی ترامپ خیلی آمد که با روسیه لاس‌های سیاسی بزند اما دیدیم که میسر نیست، بنابراین فضایی به وجود آمده است که اگر درایت آریاییان درایتش را دارند اگر زورشان برسد و این امکان را بتوانند به وجود بیاورند با هماهنگی کامل با چین و روسیه ما برای نخستین بار این امکان عملیاتی را داریم که بمب اتمی مشرقی خودمان را بسازیم

بمب اتمی زرتشتی را بسازیم. یعنی فتوای خامنه‌ای و این مزخرفات برجرام و این‌ها در حقیقت تمام شده است. یعنی این را ما باید پرونده را باید ببندیم بگذاریم کنار و برویم پای عملیاتی کردن بمب اتمی آریایی منتها این بمب اتمی آریایی با در حقیقت اقدامی که پوتین انجام داده است به سمت ایران این مسئله‌ایست بسیار بزرگ یعنی پوتین آمده است و امنیت ملی روسیه را به امنیت ملی ایران زمین گره زده است این حیرت انگیز است به هیچ وجه چیز کمی نیست و مسلماً این ایجاب می‌کند که ما به عنوان نیروهای آریایی یک به اصطلاح دق‌الباب بکنیم و با هماهنگی با چین و روسیه این بمب اتمی را بسازیم و با این مسلماً با این توضیح که نیازی به این هزینه شما نیست ما خود این کار را انجام می‌دهیم که شما پای خودتان بکشید کنار ما با خود اینها می‌توانیم در بیفتیم. یعنی این فضای سیاسی و فضای امنیتی و فضای نظامی که به وجود آمده است فضاییست بسیار مناسب برای رشد بیشتر ژن آریایی برای مسلماً تأسیس کردن پایگاه‌های هوایی، دریایی و زمینی در سراسر منطقه غربی ایران شهری از عراق بگیرید بروید تا سوریه. این‌ها فضایی را به وجود آورده است که ما بتوانیم در آنجا پایگاه‌های خود را ایجاد بکنیم و امری که باید اتفاق بیفتد تفاوت ما آریاییان با روسها این هستش که اینجا زمین خود ماست اینجا منطقه امنیتی خود ماست منطقه تمدنی خود ماست و ما هم موظف به پاسبانی از آن هستیم و هم موظف به پاسبانی از آن یعنی مسئله‌ای را که ما مطرح کردیم در یکی از مقالات یک بخشی از ایرانیان باید کوچ بکنند به آنجا یک بخشی از برادران آریانی ما از افغانستان و تاجیکستان اینجا باید با مدیریت نیروهای سپاهی و ارتشی مهندسين دکترا کوچ بکنند به آنجا و آنجا شهرسازی بشود و ما یک سنت چند هزار ساله در ایالات غربی ایران شهر داریم و این به اصطلاح پیوندهای خونی به وجود بیاید و ما به اصطلاح این اندام بزرگ ایران شهر این مفصل‌ها بار دیگر به یکدیگر گره بخورند. این فضاییست که به وجود آمده است و از این فضا باید استفاده بهینه را انجام داد. فصل سوم را اجازه بدهید که در برنامه دیگری پیش ببریم. یک مسئله‌ای که اینجا باید مطرح بکنیم پرسش‌های بسیاری را دوستان انجام می‌دهند که تلمبار شده است. این پرسش‌ها ما نمی‌دانیم که کی این‌ها رو پاسخ بدهیم. می‌کوشیم از هفته بعد هر بار یکی از این پرسش‌ها را به طور فشرده پاسخ بدهیم. بعضی پرسش‌ها نیاز به یک برنامه کامل دارد و تراکم موضوعات و تراکم رویدادها طوری هستش که وقت کم می‌آید و ما نیز بیش از یک بار در هفته وقتش را نداریم که در خدمت یاران داخل و خارج باشیم با این امید که هفته آینده بتوانیم به یکی از این پرسش‌ها پاسخ بدهیم. فراموش نکنند دوستان فردا روز نبر هست روز رام هست گوشت خورده نمیشود در هفته آینده نیز چهارشنبه جشن سوری هست جشن سوری پیشاپیش شاد تا هفته آینده بار دیگر اهورامزدا را سپاس می‌گوییم و شما را به ایزدان ایران شهر می‌سپاریم. خدانگهدار.